

Scan: <http://www.new.dli.ernet.in/>
PDF: <http://www.KetabFarsi.com>

تاریخ ادبیات ایران

از آغاز عهد صفویه تا زمان حاضر

۴



پروفیسور ادوارد پرون سنگام پیری

ف
۱۹۱۵ء
ب ت

فهرست مندرجات

بخش اول تاریخ اجمالی ایران در چهار قرن اخیر

فصل اول

ملاحظات کلیه راجع بسلسله صفویه

اهمیت تاریخی سلسله صفویه ، فقدان تاریخ کافی و کاملی از سلسله مذکوره ، چهار منبع مهم فارسی که بطبع نرسیده است ، بی اعتباری تواریخ اخیر فارسی ، دن خوان ایران ، يك اشتباه سرجان ملکم ، منابع اطلاعات ترکی ، تحریرات اروپائی معاصر صفویه ، مهمترین مقتضات سلسله صفویه .

ملیت

از چه میتوان اعمال سلاطین صفویه را ملی گفت ،
استعمال مفرد لغت ترکی در عهد صفویه ،

مذهب

اصول مذهب شیعه ، نقل از شهرستانی ، وجه تناسب مخصوص تشیع با ایرانیان ، اختلاف شیعه و سنی اساسی است نه شخصی ، اصول و نسب صفویه ، بیان اینکه صفویه در ابتداء طایفه از درویشان بودند ، اصطلاح صوفی اعظم ، شاه اسمعیل مذهب شیعه را جبراً در تبریز رواج میدهد ، مقایسه تبلیغات صفویه و عباسیان .

صنایع و ادبیات

فقدان شعرای بزرگ در عهد صفوی ، علل این فقر ، نظر میرزا محمدخان ،
شعراى مدیحه سرا در خدمت صفویه منزلی نداشتند ، ذیل .

از صفحه ۱۶ تا ۴۰

فصل دوم

از ظهور دولت صفویه تا سال ۱۵۲۴/۹۳۰

شاه اسمعیل و اجداد او

دلایل نفوذ و بزرگی شیخ صفی الدین ، ارادت رشیدالدین وزیر به
شیخ صفی ، صفوة الصفا .

اجداد شیخ صفی الدین

امام هشتم موسی الکاظم ، فیروز شاه زرین کلاه ، صوفی الخوامس ،
صلاح الدین رشید ، قطب الدین احمد ، امین الدین جبرائیل

شیخ صفی الدین (۱۲۵۲ - ۱۳۳۴ م)

بزرگی و مندرجات صفوة الصفا ، صفات تذکرة الاولیاء ، مورخین اسلامی ،
گرامات ، صفات خشونت آمیز تنفر انگیز عرفاه اسلام ، طفولیت شیخ

ب

صفی ، سعدی را ملاقات میکند ، ارادت بشیخ زاهد گیلانی ، احوال شیخ زاهد ، وفات شیخ زاهد و جانشین شدن شیخ صفی ، اشعار شیخ صفی ، نفوذ شخص شیخ صفی در آسیای صغیر ، صدرالدین در سال ۱۳۳۴/۷۳۵ جانشین پدر میشود ، قدرت محرك حسد شد ، صدرالدین در سال ۱۳۹۲/۷۹۴ جای خود را به پسرش خواجه علی میسپارد ، شیخ شاه ، شیخ حیدر ، مبداء اصطلاح قزلباش ، قتل شیخ حیدر در میدان جنگ

از صفحه ۴۹ تا ۵۴

شاه اسمعیل

تولد ، جلوس ، وفات

قتل سلطان علی برادر اسمعیل ، اسمعیل هنگام اختفای در لاهیجان ، جان نثاری بیروان شاه اسمعیل ، فتوحات اسمعیل در سیزده سالگی شکست و قتل فرخ یسار بدست شاه اسمعیل ، جنگ شرورو تاج - گذاری شاه اسمعیل ، کوشش نیرومندان شاه اسمعیل در ترویج تشیع ، مخالفین و رقبای اسمعیل در سال ۲/۹۰۷ - ۱۵۰۹ ، غلبه اسمعیل بر رقبای کوچک خود ، رفتار بیرحمانه با اسراء ، فتوحات اسمعیل در غرب ، فتح بغداد ، تنبیه غلات ساکن هویزه ، انقیاد لرستان ، وقایع فارس ، حمله بشروان ، دودشمن قوی خارجی : ازبکها و عثمانیها ، سیرت و صورت شاه اسمعیل بنا بر روایت سیاحان اروپایی خشونت نسبت باهل تسنن ، شیبانی یا شیبک خان ازبک ها ، قتل شیبانی در جنگ دسامبر ۱۵۱۰ ، مجموعه مکاتیب دولتی که فریدون بیگ گرد آورده است ، ظهور و ازدیاد خصومت ایرانیان و عثمانیان ، نهضت شیعیان آسیای صغیر ، مراسلات فارسی سلطان سلیم ، جنگ چالدران ، اقدامات سلطان سلیم پس از فتح چالدران ، قصیده فارسی که در تهنیت سلطان سلیم سروده شده ، وفات سلطان سلیم ، جلوس سلیمانخان ، وفات شاه اسمعیل ، وسعت مملکتش ، لیاقت و کرمش ، میل مفرط بشکار ، پنج جنگ بزرگ شاه اسمعیل ، ادبای معتبر معاصر شاه اسمعیل

از صفحه ۵۵ تا ۸۲

فصل سوم

اوج و حضیض دولت صفویه از زهان

شاه طهماسب تا عهد شاه سلطان حسین

جلوس شاه طهماسب ، اخلاق طهماسب ، اعتقاد شاه طهماسب بقواب ، نوبه شاه طهماسب ، تباهی لشکر عثمانی از برف بی هنگام ، مشاهدات دیگر ، روابط ناگوار خانوادگی ، بیوفائی نسبت به بایزید پسر شاه عثمانی ، شرحی که خود شاه طهماسب از این بد رفتاری نوشته است ، همایون امپراطور هند در ایران ، روابط خارجی ایران در عهد شاه - طهماسب : جنگ با عثمانی ، جنگ با ازبکیه ، کشتار در راه مذهب ،

ج

حرب بساگر جیان ، جنگهای کوچک و اغتشاشات داخلی ، سیاستهای
وحشیانه ، ضعف و عیب شاه طهماسب
از صفحه ۸۳ تا ۹۳

شاه اسمعیل ثانی - محمد خدا بنده

اغتشاشاتی که بعد از فوت شاه طهماسب رخ داد ، سلطنت کوتاه و خون آلود
شاه اسمعیل ثانی ، مرگ فزیع شاه اسمعیل ثانی ، سلطنت محمد -
خدا بنده ، قتل پریخان خانم ،

شاه عباس اول

جلوس شاه عباس اول ، اخلاق سلطان محمد خدا بنده ، شاه عباس ، خطرهای
آغاز پادشاهی شاه عباس ، صلح با عثمانی ، تشکیل طوایف شاهسون ،
غلبه بر عثمانیان ، شرحهای خستگی آوری که مورخین ایرانی از
جنگهای این زمان داده اند ، صفات شاه عباس و تشکیلات او ، سختگیری
و قهاری ، حضور اجباری در امر سیاست ، شاه عباس مهربانی را با
سختگیری آمیخته داشت ، فتوحات او ، خوشنویسان ، شمراء ، مطربان
و اهل نغمه و غیره ، لکه هایی که بر دامن سلطنت او افتاده است .

شاه صفی - شاه عباس ثانی

جانشینان شاه عباس اول ، شاه صفی ظالمی خون آشام بوده است
شاه عباس «ثانی» خوب پادشاهی بود اگر در شراب افراط نمیکرد
شاه سلطان حسین متعصب بی حال ، جلوس ، خلع ، قتل ، بهترین
شرحی که معاصرین راجع باین دوره نوشته اند ، الیاریوس ، پرافاتل
دومانس ، شاردن ، شیخ علی حزین ، کروسینسکی ، هانوی ، دوره
اخیر سلطنت صفویه مورخین ایرانی را بنگارش تشویق نمیکرد ،
عیوب سیاست شاه عباس ، غلبه ملاها که فرد اکمل آنها ملا محمد
باقر مجلسی بوده است .
از صفحه ۹۴ تا ۱۱۵

خلاصه تاریخ ایران در دو قرن اخیر

فصل چهارم

هجوم افغانها

اخلاق افغانها ، شرح اغتشاش قندهار ، میرویس درمکه ، ظفر بافتن
عاصیان ، میر محمود پسر میرویس جانشین پدر میشود ، شورشهای دیگر
بر ضد دولت ایران ، تصرف افغان ها کرمان را ، اتحاد زردشتیان
و افغانها ، پیشرفت افغانها بجانب اصفهان ، جنگ گلون آباد ، مشابهت
و مبنایت هجوم عرب و مغول و افغان ، فرار شاهزاده طهماسب میرزا
از اصفهان بقزوین ، قحط در اصفهان ، تسلیم شدن اصفهان ، استمداد
طهماسب از روس و عثمانی ، قساوت و سفاکی افغانها ، کشتن محمود
بازماندگان خانواده سلطنتی را و قتل خود او بدست اشرف ، وفات
پطر کبیر و هجوم عثمانیان بایران ، گفتگوی عثمانیها و افغانها

از صفحه ۱۱۶ تا ۱۲۵

قیام نادرشاه

قتل فتحعلی خان قاجار، فتح نیشابور، شکست اشرف در دامغان، تخلیه اصفهان و قتل شاه سلطان حسین بدست اققانها، شکست اققانها در نزدیکی پرسپلیس و مرگ اشرف،

دوره نادر تا زمان قتل او در سال ۱۷۴۷ میلادی

بی لیاقتی طهماسب، پادشاهی عباس ثالث، انتخاب شدن نادرپادشاهی فتح نادر در هندوستان، طغیان رضا قلی و کورشدهش، نظر نادر نسبت به دین، قتل نادر، هرج و مرج بعد از وفات نادر از صفحه ۱۲۶ تا ۱۳۱

سلسله زندیه (۱۷۵۰ - ۱۷۹۴)

اخلاق حسنه کریمخان زند، دور قیام کریمخان، حذف شدن آزادانگان از جمع رقیبان، غلبه کریمخان بر رقیب قاجار خویش، فتح بصره بدست ایرانیان، وفات کریمخان و فرار آغا محمد خان، جانشینان کریمخان، لطفعلی خان آخرین سلطان سلسله زندیه، شجاعت و مردانگی و مصائب لطفعلی خان از صفحه ۱۳۱ تا ۱۳۷

سلسله قاجاریه ۱۷۹۶ بعد

فتحعلی شاه، محمد شاه، اسمعیلیه در قرون جدید، قتل شاه خلیل الله طغیان آقاخان، شکست او بدست بهمن میرزا و فرارش به هندوستان از راه لار، جنبش بابیه

ناصرالدین شاه

میرزا تقیخان امیر نظام، قتل حزن انگیز میرزا تقیخان، نهضت بابیه در ۱۸۴۹ - ۱۸۵۰، گوینو، سوء قصد، جنگ ایران و انگلیس، تأسیس تلگراف، عوامل تجدید آور دیگر، قتل ناصرالدین شاه، نطفه انقلاب، سالهای پر حادثه، ابتداء و انتهای عهد ناصرالدین شاه سالهای طوفانی از ۱۸۹۱ بعد، جانشینان ناصرالدین شاه از صفحه ۱۳۷ تا ۱۵۱

بخش دوم

شعر فارسی در چهار قرن اخیر

فصل پنجم ملاحظات کلیه راجع باشعار اخیر خاصه ابیات مذهبی نجات و تغییر ناپذیری زبان ادبی ایران. توجه بی اندازه نسبت بشعر، طبقات شعر فارسی!

۱ - اشعار طرز قدیم

انتقاد ادبی که ایرانیان از آن غفلت داشته اند، جلب کردن هندوستان



شعرای ایران را در عهد اولین پادشاهان مغول ، خشکی ادبیات در قرن بیستم .

۲ - آیات اتفاقی یا موقعی

۳ - اشعار مذهبی

نمونه اشعار اتفاقی یا موقعی ، اشعار مذهبی محتشم و پروان او ، بی اعتنائی شاه طهماسب نسبت بهداخان ، احساسات طبیعی که در این قسم اشعار مندرج است ، اشعار مذهبی حکمک بیشتر نمایانه است عزاداری محرم در چشم اروپائیان ، توسعه روایت

۴ - اشعار بایه

۵ - تصنیف

ایرانی شجاع است ، دلیری عرب و ایرانی ، مذهب بایی و تشیع ، اشعار بایه ، تصنیف یا اشعار معلی ، قدمت احتمالی تصنیف ، ترجمه انگلیسی دوازده فقره تصنیف - اشعار سیاسی جدید .

از صفحه ۱۵۲ تا ۱۷۰

فصل ششم

شعرای قبل از قاجار که بطرز

قدما شعر می‌گفته‌اند

شیوع قریحه شاعری در ایران ، تشخیص شعراء لایق از شعراء عادی دشوار است ، معك انتخاب ، اختلاف ذوق خارجیان با سلیقه اهالی بومی هاشمی ، بابافغانی ، امید ، اهلی ترشیزی ، اهلی شیرازی ، هلالی لسانی ، فضولی بغدادی ، وحشی بافقی ، محمود قاری یزدی ، محتشم کاشانی ، عرفی شیرازی ، اشتهار عرفی و فیضی در هندوستان و عثمانی وفات فلاکت امیر فیضی ، کتابخانه فیضی ، راجع بمرقی ، اخلاق تند عرفی ، رای سخت مستروین سنت سمیت ، مطالب گرانبهای کتاب بداونی ، سعایی استرآبادی ، نظیری نیشابوری ، زلالی خونساری ، ظهوری ترشیزی ، بهاءالدین عاملی ، طالب عاملی ، محبت طالب به خواهر خود ، شفائی ، میر باقر داماد ، میر ابوالقاسم قندرسکی ، ابوطالب کلیم ، محمد طاهر وحید قزوینی ، شوکت بخاری ، صائب تبریزی ، پسندیدن صائبشمر همکاران هندی خود را ، چند شعر منتخب از صائب

از صفحه ۱۷۱ تا ۲۰۳

فقر قرن هیجدهم

دو مجموعه مهم که در آن عصر تالیف شده است ، شیخ علی حزین تذکره شیخ علی حزین ، تنفر شدید شیخ علی حزین از هند ، تذکره معاصرین تالیف شیخ علی حزین ، لطفعلی یک آذر

از صفحه ۲۰۳ تا ۲۱۳

شعرای زمان قاجاریه

نجدید حیات شعر ، بساز گشت بسبک شعرای متقدم ، اختلاف ذوق سرافان سخن ایرانی و هندی ، وصال و خانواده اش ، صله مختصر علت دیگر انحطاط قصیده سرائی ، شعرای انتقالی عهد انقلاب برای سبکهای قدیم بیم فراموشی و ترك شدن نیروود ، تذکره شعرای جدید ، مجمع الفصحاء و ریاض المارفين و ملحقات روضة الصفاء ، تذکره دلگشا .

از صفحه ۲۱۳ تا ۲۱۹

شعراء

سحاب ، مجمر ، صبا ، نشاط ، میرزا ابوالقاسم قائم مقام ، میرزا تقی خان امیر کبیر ، وصال ، اولاد وصال ، وقار ، فرهنگ داوری ، توصیف فرهنگ از پاریس ، قآنی ، در بندو امر حبیب تخلص داشته ، پدرش گلشن ، هنرها و عیوب قآنی ، کتاب پریشان ، فروغی ، تمایل بتصوف یغمای جندقی ، محتویات کلیات یغما ، هجویات یغما ، مرانی مذهبی یغما ، هجو سرائی و تقدس ، سپهر و هدایت و شیبانی ، دبستان جدید شعرای بعد از انقلاب ، دغو ، عارف ، اشرف ، بهار ، مرحوم ادیب الممالک ، خدمات او در روزنامه نگاری ، سنجش شاعری او

از صفحه ۲۲۰ تا ۲۴۸

مذهب شیعه و مقتدایانش

مجتهدین و ملاحا

مذهب شیعه ، اصل اجتهاد ، جلب کردن علوم دینی مردمان صاحب قریحه و جاه طلب را ، دست نیافتن بر روحانیون ، قصص العلماء ، علم الرجال ، مجالس المومنین ، روضات الجنات ، نجوم السماء ، کشف الحجب ، يك تذکره از شعرای شیعه ، مقایسه تألیفات مذکور ، مؤسین فقه شیعه ، محمد های سه گانه و کتب اربعه ، سه نفر محمد نام در قرون اخیر ، زبان عربی و سیله تحریر کتب دینی است ، کتب شرعیه در ازمنه اخیر ، قلت کتب فقهی شیعه در اوایل زمان صفویه ، دعوت علماء شیعه از خارج بایران ، شرح حال يك نفر از طلاب علوم دینی ، قدمهای نخستین در راه تحصیل ، مشقات سفر در طلب علم ، تحصیل و مشقت ، از بصره بشیراز ، در مدرسه شیراز و نج سرما و گرسنگی ، يك معلم سختگیر ، زندگانی یکنفر طلبه در شیراز ، باملا محمد باقر مجلسی آشنا میشود ، در اصفهان رتبه مدرسی مییابد ، قدر و قیمت این شرح احوال شخصی .

از صفحه ۲۴۹ تا ۲۶۱

مقام مجتهدین در زمان صفویه

و جانشینان آنها

حربدن مقامی در بهشت ، فتوی . جنبه مستحسن روحانیون ، جنبه

ز

ناشایست آنها حسد و رفتار زشت ، اخباریها و اصولیها ، قتل ژنرال روس ، آخوندهای قشری ، وسعت شرب ، آثار مکتوبه طبقه علماء ، فقه ، سؤال و جواب ، کتاب الودیعہ ، عقاید عوام شیعه ، کتاب عقاید الشیعہ ، مقدمه ، در رد عقاید باطله ، ذات وصفات ، رد بر صوفیه ، توحید صفاتی ، توحید خلقی ، رد غلات ، توحید عبادتی ، غیبت امام ، علائم آخر زمان ، قیامت صغری ، قیامت کبری ، هفت دوزخ ، پل صراط اعراف ، بهشت ، کفر و ایمان تقسیمات کلی افکار مذهبی ایرانیان تقسیمات گوینو ، مجلسیها ، علماء قبل از صفویه ، روحانیون عهد صفویه و بعد از صفویه .

از صفحه ۲۶۲ تا ۲۸۶

فصل نهم

نثر نویسان تا سال ۱۸۵ میلادی

انواع نثر ، عبارات مصنوعی در کتب تاریخی ، سادگی نخستین ، فساد زبان در زمان مغولان و سایر ملل بیگانه ، بهبودی نثر در عصر اخیر ، نمونه عبارت پردازی بی مورد .

فقه

یک طبقه بیفایده از کتب ، فقه بزبان فارسی عامیانه ، خدمات مجلسیها ، تألیفات ملا محمد باقر مجلسی ، طبقه بندی کتب عقاید که بزبان فارسی است ، رد بر اهل تسنن ، رد بر صوفیه ، رد بر نصاری ، رد بر شیخیه ، رد بر بابیه و بهائیه .

از صفحه ۲۸۷ تا ۲۹۵

فلسفه

تقسیمات فلسفه ، شیعه و معتزله ، قرص فلاسفه اسلام به یونانیان ، اشکالی که در تعیین طرز و مقام فلسفی ایرانیان در عهد اخیر موجود است ، شش فیلسوف معروف ایران در ازمنه اخیر ، حکمت و کلام شیخ - بهاء الدین العاملی ، معلمین او ، میرداماد ، ملاحظیات عادات مگس نعل ، میرداماد از ملاصدرا محتاط تر بود ، ملاصدرای شیرازی ، تأثیر مذهب ملاصدرا در عقاید شیخیه و بابیه ، کتب عمده ملاصدرا ، بیانات گوینوار اجمع ملاصدرا ، عقیده شیخ محمد اقبال ، نفوذ شیخ معنی الدین العربی ، ملا محسن فیض کاشانی ، فعالیت خارق العاده او او در تألیف و تصنیف ، فال مناسب ، ضدیت شیخ احمد احسانی با ملا محسن ، غلبه ملا محسن بر شخص عیسوی ، ملا عبدالرزاق لاهیجی ، گوهر مراد ، میر ابو القاسم فندرسکی ، حاجی ملاحادی سبزواری ، آثار حاجی ملاحادی .

از صفحه ۲۹۶ تا ۳۰۷

علوم ، ریاضیه ، طبیعییه و فنون

غریبه خفیه

تطور علوم عرب و نسبت آن با حکمت ، عربها بر میراث یونانیان

ح

چه افزودند ، مقام تحقیق معصومین زکریا الرازی ، انعطاط علوم پس از هجوم منول ، علمای اسلام تاچه پایه مطالعات شخصی داشته اند ، تحقیقات جاحظ راجع بشور مورچه ، علوم جدیده اروپائی در ایران ، علوم خفیه .
از صفحه ۳۰۷ تا ۳۱۱

تواریخ - عمومی و اختصاصی و معالی
تفوق عرب بر ایرانیان از حیث تاریخ نویسی ، تأثیر مضر تاریخ و صاف
بعضی از تواریخ معتبره عصر اخیر ، فقر اغلب تواریخ عمومی فارسی
علامه ترقی در عصر جدید .

احوال رجال - سرگذشتهای شخصی

سفرنامه ها

متداول بودن کتب رجال فیما بین مسلمین ، انواع مختلف کتب رجال ،
روضات الجنات ، قصص العلماء ، نجوم السماء و سایر کتب احوال علماء ،
خطاطان ، تراجم شخصی ، سفرنامه ، بستان السیاحه ، مطلع الشمس ،
سایر مؤلفات محمد حسن خان .

از صفحه ۳۱۲ تا ۳۲۵

فصل دهم

ترقیات سالهای اخیر

از ۱۸۵۰ میلادی بپس

نقوذهای تجدد آور ، دارالفنون ، نمایش ، نمایشهای میرزا جعفر
قراچه داغی ، سه تیاتر پرنس ملکم خان ، جریده تیاتر ، رمان ، عشق
و سلطنت ، رمان تاریخی زمان کورش ، دام گستران یا انتقام
خواهان مزدک ، شرلوک خمس در ایران و عثمانی .

مطبوعات

رواج چاپ در ایران ، پنج جریده مهم در آغاز امر ، بهترین جریده
بعد از انقلاب ، چرند و پرند ، ابتکار دخیو در نظم و نشر ، دوازده
سال اخیر ۱۹۱۲/۱۹۲۳ ، ایران و آلمان ، روزنامه کاوه دوره قدیم ،
دوره جدید کاوه ، مقالات مهمه دوره قدیم کاوه ، مقام ارجمند دوره
جدید کاوه در ادب و انتقاد ، دوره جدید ، بعضی از مقالات مهمه
دوره جدید کاوه ، سال آخر کاوه ، ایرانشهر ، ترجیح تعلیمات آلمانی
بفرانسوی برای محصلین ایرانی ، مطبوعات ایران بعد از جنگ
بین المللی ، چاپخانه کویانی در برلن ، پایان کتاب

از صفحه ۳۲۶ تا ۳۴۴

بیاد محبت‌ها و نشان
تشکرانی که به مادر
خود هدیه یونم این کتاب
را بوی تقدیم میکنم
برون

همانم که در آغوش برداشتی
نبودت ز من هیچکس پیش پیش
دل‌م آشکار و نهان با تو است
یوسف و زلیخای فردوسی

همانم که از چشم نگذاشتی
گرامی‌ترین بودم از جان خویش
مرا هوش و جان و روان با تو است

بستان بدهان گرفتن آموخت
بیدار نشست و خفتن آموخت
بر غنچه گل شکفتن آموخت
تا شیوه راه رفتن آموخت
الفاظ نهاد و گفتن آموخت

گوبند مرا چو زاد مادر
شب بر سر گاهواره من
لبخند نهاد بر لب من
دستم بگیرفت و پایا برد
یک حرف و دو حرف بر زبانم

پس هستی من ز هستی او است
تا هستم و هست دارمش دوست

دیباچه

در تابستان ۱۳۰۴ شمسی جناب آقای علی اصغر حکمت وزیر معارف که در آن زمان ریاست اداره تفتیش کل معارف را عهده دار بودند در نظر گرفتند که دوره تاریخ ادبی ایران تألیف ادوارد برون انگلیسی بفارسی نقل شود پس سه تن از فضلا را بترجمه سه جلد نخستین و نگارنده را بترجمه جلد چهارم ترغیب کردند از آنجا که این ضعیف از آغاز آشنائی با امور ادبی شوقی فراوان بتحقیق احوال شعرا و ادباء داشتم و از نقص و عیب تذکرها کاملاً مطلع و متأسف بودم این دعوت را بحسن قبول پذیرفته برخی از ایام عمر را در ترجمه این کتاب صرف کردم و وزارت معارف در همان اوقات (۳ مرداد ۱۳۰۴) نامه به پرفسور برون نوشته و او را از انجام یافتن دوره کامل تاریخ ادبیات تبریک و تحسین گفته برای ترجمه رخصت طلبید . پرفسور در پاسخ شرحی مبتنی بر اجازه ترجمه و جرح و تعدیل و افزایش و نقصان نوشته است چو آخرین مکتوبی است که پرفسور برون بایران فرستاده است عیناً نقل میگردد

بانزدهم ابلول ۱۹۲۵

جناب وزیر اجل اکرم

تعلیقاً بقیه آن وزیر معارف پرور کلمات پناه الان زیارت گردید و باعث کمال امتنان و تشکر شد هر چند آن چهار جلد که در این بیست سال گذشته در تاریخ ادبیات ایران تألیف نموده ام بی هیچ وجه لایق ترجمه بزبان فارسی میدانم البته هر گاه رای عالی آن معارف پناه بر آن قرار گرفت باعث کمال افتخار و ابتهاج گردد ولی خودم را مظهر ضرب الثلی که داریم (در ملکوت کوران مرد یک چشم بیناست) میدانم هر گاه معلومات مخلص در خصوص ادبیات ایران در فرنگستان مد باشد هیچ دخلی بمعلومات علماء و ادباء ایران ندارد بلکه هر چه حاصل کرده ام از ایشان کتباً یا شفاهاً حاصل کرده ام و خوشه چین خرمن ایشانم مثل آنچه شیخ مبرماید :

کمال هنرش بر من اثر کرد و گرنه من همان خاکم که هستم
بهیال مخلص هر گاه یکی از اکابر ادبی ایران کتابی در ادبیات ایران
تالیف فرماید عینی بر اصول جدید و تفتیش و تنقیح و تنقید فایده اش بسیار
بیشتر خواهد شد خصوصاً از برای اهل فرهنگستان و خصوصاً در باره
آنچه متعلق باین عهد اخیر باشد و ای پرواضح است هر گاه رأی عالی
بر ترجمه کتاب این بنده فانی قرار گیرد یا هر چه مترجم لازم داند از
اصلاح و تغلیل و تزئید باعث کمال افتخار منحصاً باشد

همی شرم دارم که بای ملخ را حضرت شاه سلیمان سرسرم
همی ترسم از ریشخند رباعین که خار منیلان بیستان سرسرم

مخلص دعا گو ارادت شعار - ادوارد برون

چهار ماه بعد از این تاریخ آن دانشمند ایران دوست در روز ۵ ژانویه
۱۹۲۶ میلادی مطابق ۱۸ دیماه ۱۳۰۴ وفات یافت و همه ایرانیانی که از خدماتش
آگاه بودند قرین حزن و اندوه شدند انجمن ادبی ایران بنا بر پیشنهاد آقای حکمت
مجلس سوگواری خاص ترتیب داد چند تن از شعرا و فضلا مقالات و اشعاری حاکی
از شرح حال و اظهار حقیقت شناسی قرائت کردند که همه آنها را مجله تعلیم و تربیت در
رساله جداگانه طبع و نشر کرد و عکس آن مرحوم را نیز بعنوان یادگار بفضلا
هدیه فرستاد.

بسیاری نگارنده پس از چند ماه ترجمه کتاب را به وزارت معارف تسلیم
کرد که وسایل طبع آنرا فراهم کنند لکن نظر بتغییر شغل جناب آقای
حکمت این نسخه در طاق نسیمان و زاویه فقدان ماند چنانکه متجاوز از ده سال
کسی را بر وجود آن وقوفی و در استخراج آن از مخازن وزارت خانه میلی نبود^۱
چون مقام وزارت معارف به آقای حکمت تفویض گردید ایشانرا دریغ آمد
که چنین رنجی بی ثمر ماند و با اینکه سه جلد مقدم ترجمه نشده بود از آنجا که
قسمت های کتاب استقلال داشت نگارنده را بطبع دفتر جلد چهارم تشویق و
مند فرمودند.

(۱) در خلال این احوال یکی از فضلا موسوم بسیف پور فاطمی که از این ترجمه
آگاهی نداشت قسمتی از این کتاب را در استهبان بطور خلاصه ترجمه و در ۶۸ صفحه کوچک
انتشار داده است و حاوی نکات خوب مخصوصاً فهرستی از مؤلفات برون است

راقم سطور آن نسخه را بلا دیگر مورد دقت قرار داد و بنا بر سفارش و اجازه مرحوم برون در جرح و تعدیل آن کوشید مطالبی که برای خوانندگان خارجی سودمند و تازه و برای ایرانیان توضیح واضح و تطویل بلاطایل بود حذف کرد و هر جا توضیحی ضرورت داشت بیفزود و ذیلی مشتمل بر احوال شعراء و اسامی مؤلفات این عصر بر کتاب الحاق نمود تا فایده آن تمامتر باشد. باینکه برای تاریخ ادبیات فارسی تا حال کتابی باین خوبی و صحت و با این نظم و ترتیب و استقصا و انتقاد نگارش نیافته است بطوری که خود مؤلف نیز توجه داشته خالی از نقص نیست زیرا که احوال بسی از علما و فضلا و گویندگان مسلم را متعرض نیست من جمله محمودخان ملك الشعراء و سروش و فتح الله خان شیبانی که در عهد خود اشعر شعراء بوده اند و نیز بسی نکات راجع بسر گذشت شعراء عهد صفویه را محض اختصار حذف نموده است نگارنده در نظر داشت که در حدود امکان در ذیل صفحات یا در دنبال فصول این افتاده ها را ضبط کند و بعضی مطالب را توضیحی کافی تر بدهد مخصوصاً پس از دست یافتن به سه تذکره مبسوط خطی که مرحوم برون از آنها ذکر نکرده است یکی تذکره نصر آبادی و دیگر تذکره خلاصه الافکار تألیف ابوطالب و دیگری تذکره خوشگودرین چند کتاب مطالب بسیار راجح با کثر شاعران این کتاب دیده شده که قابل الحاق بود اما بدو ملاحظه خودداری کرد یکی بزرگ شدن کتاب دیگر مبدل شدن هیئت و نظمی که مؤلف بآن داده بود زیرا که در اکثر موارد فرع زیاده بر اصل میشد و تا این درجه تغییر و تعریف شایسته نبود پس آن بسادداشتها را کنار گذاشت و بذکر ضروریات اکتفا کرد.

امید است که این زحمات در خدمت صاحب نظران موقع قبول یابد و در نقایص آن بدیده اغماض بنگردند چون دوستان مهربان آقایان محمد مهران و یعقوب انوار در پاکنویس و اصلاح و تهیه فهرست این کتاب بذل همت و صرف وقت کرده اند در این جا از زحمات ایشان سپاسگزاری می کنم.

شرح حال پروفیسور برون

استاد علامه آقای محمد بن عبدالوهاب قزوینی را در شرح احوال پروفیسور برون مقالاتی است که در سال چهارم مجله ایران شهر درج شده است از آنجا که آگاهی آن دانشمند بر احوال برون دقیق تر و مستقیم تر از هر کسی است بهتر آن دانستیم که از میان منابع مختلفی که در دست است بیانات ایشان را با اختصاری که مناسب مقام باشد زیب این مقدمه قرار دهیم.

• گمان میکنم کم کسی از ایرانیان باشد که استاد برون را شناسد زیرا که خدمات او نسبت بایران منحصر بآثار ادبی او نبود در عالم سیاست نیز خدمات شایان بوطن مانمود از ابتدای مشروطیت (۱۳۲۴) الی شروع جنگ عالمگیر (۱۳۳۲) زحماتی که او در طرفداری از ایران در اروپا کشید و مجاهداتی که در اثبات حقانیت ایران و اعتراض بر ضد سیاست بیگانگان نمود از نشر مقالات در جراید و تألیف کتب و رسائل و دادن کنفرانسها و ملاقات با رجال و وزراء فی الواقع بساورد کردنی نیست. بعفیده من از ابتدای افتتاح روابط منظم مابین ایران و اروپا از يك قرن بساینطرف هیچکس از اروپائیا این اندازه شهرت و نام نیک در ایران بهم نرسانیده و این درجه اخلاص و محبت عموم ایرانیان را بخود جلب نکرده است.

اما خدمات ادبی آن مرحوم را بجزرات میتوانم سوگند بخورم که مابین جمع مستشرقین اروپا و امریکا هیچکس این همه زحمت در این راه نکشیده است و يك عمر تمام را از هیجده سالگی تا آخرین دقیقه حیات شصت و چهار ساله خود بدون خستگی باتمام قوای معنوی و مادی خود صرف احیای آثار ادبی ایران نکرده است و این همه مساعدات مالی برای طبع و تصحیح کتب نفیسه فارسی از کیسه شخصی خود بخود هموار نموده است و مخصوصاً هیچکس بادییات و ذوقیات و معنویات ایران یعنی بافکار حکما و شعرا و عرفا و از باب مذاهب آن مملکت این اندازه محبت خاص و عاری از هر گونه شوائب و اغراض سیاسی و جاهی و مالی نوزیده است.

فی الواقع وجود مرحوم براون برای ایران يك نعمت خدا داد و يك گنج باد آورد بود آنچه عجب تر از این که يك مردی از يك ملت اجنبی بآن هم از اعظم

علماء و نویسندگان آن ملت در تمام مدت عمر خود طرفداری از ملت و مملکت ما
بنمایند و محض خاطر ما با ملت و مملکت خودش طرف شده باشد!

برای اطلاع از شرح حال آن مرحوم از اوایل عمر تا سنه ۸ - ۱۸۸۷
(۶۱ - ۱۳۰۵) ه. ق. که سال سفر اوست بایران در سن ۲۷ سالگی رجوع
شود بمقدمه کتاب «یکسال مابین ایرانیان» تألیف خود او که کتابی بسیار جذاب
و دلکش است^۱

برای تصور اجمالی از جنبه ادبی حیات آن مرحوم باید نظری افکنند بمؤلفات
جليله عديده در این رشته که عده آنها ۱۲ کتاب بزرگ و ۲۲ رساله است^۲ و
شاهکار آنها کتاب «تاریخ ادبیات ایران» است در چهار جلد و این کتاب مهم در
خصوص ادبیات زبان ما نه تنها در اروپا بلکه در باب خود بگانه و منحصر بفرد است
و هیچکس از مستشرقین قبل از او مثل آن یا قریب بآن تألیف ننموده است بلکه
هائین فارسی زبانان تاکنون کتابی باین نظم و ترتیب عجیب و با این بسط و تفصیل حاوی

(۱) اسم این کتاب بانگلیسی A year amongst the Persians برای تکمیل
مطالب فوق سطرهای چند از کتاب مذکور و سایر آثار او در بیانات آقای قزوینی میافزاییم
پروفسور ادوارد گرانویل برون از مردم نیوکاسل انگلستان بحرین بامین برون صاحب
کارخانه کشتی سازی بود در ۷ فوریه ۱۸۶۲ (۷ شعبان ۱۲۷۸ ه. ق.) متولد پس از فراغ
از تحصیل دبستانی بآموختن علم طب پرداخت و قصدش این بود که داوطلبانه وارد تشون
عثمانی شود که در آنوقت بروسیه تزاری جنگ داشت زیرا که هم براون در جنگ کریه
در خدمت نظام عثمانی بود و از روسهای تزاری تنفر داشت.

براون بهین نظر زبان ترکی را آموخت ولی بزودی دریافت که محتاج بعبیری و
فارسی هم هست پس در نزد دانشمندی موسوم بمحمد باقر بوانانی شروع بتحصیل فارسی
کرد این شخص در لندن مشغول تبلیغ دین اسلام بود بسرائون در مجلس درس تفسیر قرآن
بوانانی حضور یافت پس از فارسی عربی را نیز آموخت و معلم عربی دارالفنون کبریج شد
و مسافرتی باسلامبول کرد و در ۱۳۰۵ ه. ق. بایران سفر نمود بکمال در کرمان و بزد و سایر
شهرها ساکن شد و با همه طبقات و فرقه های دینی آمیزش گرفت در کرمان مدتی در خانقاه
درویشان اقامت گزید در طهران بتحصیل حکمت و تصوف پرداخت معلم او درین فنون میرزا
اسدالله نامی بود (مترجم)

(۲) مؤلفات سیاسی او و مؤلفات راجع بپایه و متون فارسی که تصحیح و طبع کرده
در این حساب داخل نیست فقط کتب و رسائل ادبی او مقصود است



پروفیسور ادوارد برون در لباس ایرانی
عکس از کتابخانه آقای حسین تقی اعزاز

این همه اطلاعات مهمه نادره که نتیجه چهل سال زحمت و تشیع است بظهور نیامده است و اصلاً این نوع تألیف متنوع محیط که در آن واحدهم تاریخ است هم رجال و هم ادبیات هم تذکره الشعراء و هم معجم الادباء و هم منتخب الاشعار و هم جامع الحكایات و هزار معاصرین و مزارای دیگر مابین ما تا کنون مرسوم نبوده است و البته شایسته است که این کتاب با اندکی جرح و تعدیل بفارسی ترجمه شود تا نمونه از وضع تاریخ ادبیات نویسی بطرز اروپا بدست مردم ایران بیاید (مقصود از اندکی جرح و تعدیل این است که بعضی مطالب واضحه که فقط برای اطلاع اروپائیان لازم است ولی برای ایرانیان از قبیل توضیح و اوضحات است در ترجمه فارسی باید از آن حذف شود مثل تفسیر سیمرغ یا امار ضحاک یا شب قدر یا گرگ دهن آلوده و یوسف ندریده و امثال ذلك و از آن طرف ترجمه حال بعضی از علماء و ادباء و شعراء که بواسطه دسترسی نداشتن مؤلف در اروپا بکتاب رجال حاوی شرح حال آنها یا بدو اوین آنها در این کتاب مذکور نیست باید بر آن افزوده شود و این نوع سقط ها مخصوصاً در جلد چهارم که در خصوص فضلاء متأخرین و معاصرین است فراوان است) اما در خصوص فعالیت سیاسی آن مرحوم در مدت هشت ساله ۱۳۲۴ - ۱۳۳۲ که اوضاع مضطرب ایران فکر او را مشغول داشت چون در خاطرها است از تفصیل چشم میپوشد و کتاب نفیس در این زمینه از خود به یادگار گذارده است یکی « انقلاب ایران » دیگر « مطبوعات و اشعار جدید ایران » بعلاوه چندین رساله جداگانه که اسامی آنها در فهرست مؤلفات آن مرحوم که خود او در سنه ۱۳۴۲ بطبع رسانیده مذکور است .

اما در خصوص تحقیقات راجع بیابیه باید رجوع کرد بمؤلفات مشهوره او در این موضوع که چگونه ابتداء کتبخلوی او در این راه از مطالعه کتاب کنت دو گوینو Comte de Gobinau به حرکت آمد و جداً در این راه دامن بر کمر زد ابتداء در اثناء سفر در ایران بایستاری از اتباع این مذهب آشنائی پیدا کرد سپس در ۱۳۰۷ بمکار قبرس رفت و بملاقات میرزا یحیی معروف بصبح ازل و میرزا حسینعلی معروف به بهاء الله نایل آمد و با خواص و مطلعین این طایفه مکاتبه کرد و بنخواستش نوید و پول کتب و رسایل و اسناد و اوراق آنها را بدست آورده و موفق گردید که دنباله تحقیقات کنت دو گوینو را که بسال ۱۲۶۹ ه . ق . ختم میشود تازهان خود امتداد دهد .

کنت دو گوینو از نویسندگان بسیار مشهور فرانسه است و صاحب تالیفات کثیر در مواضع فلسفی و اجتماعی و مذهبی و تاریخی و غیره و مؤسس طریقه مخصوصی است از فلسفه تاریخ معروف به گوینیسیم که مخصوصاً در آلمان پروان زیاد دارد وی در سنوات ۱۲۷۱-۱۲۸۰ بسمت نیابت اول و وزیر مختاری فرانسه در طهران اقامت داشته است چون بعد از قتل باب و پیش از ظهور اختلاف مذهبی بین این طایفه در طهران بوده اطلاعات مهمی در کتاب خود جمع کرده است استاد براون تحقیقات او را تکمیل و تصحیح کرد و بیغرضانه در مقابل انظار عالمیان نهاد در این باب مؤلفات معروف او از قرار ذیل است .

ترجمه مقاله سیاح باحواشی بسیار مفصل؛ ترجمه تاریخ جدید تألیف میرزا حسین همدانی، بعضی اسناد راجع بیابیه، نقطه الکاف تألیف میرزا جانی کاشانی با مقدمه فارسی مبسوط .

اما سایر احوال آن مرحوم - بطور اجمال عرض میکنم اگر چه سعادت در این نیاز امری موهومی است ولی اگر در این عمر کوتاه چند روزه سعادت اضافی ونسبی برای کسی بتوان فرست نمود می توان گفت که آن مرحوم سعید بود و جمیع با اغلب موجبات سعادت در شخص او جمع بود .

یکی آنکه مزاجی سالم و بنیه قوی داشت و اگر حادثه غیر مترقبه وفات زوجه اش در میان نمیا آمد شاید سی چهل سال دیگر عمر میکرد دیگر آنکه هم شخصاً متمول و باثروت بود^۱ هم حقوقی که از وظیفه تدریس دارالفنون کسب میباید او میشد فوق کفایت بود دیگر آنکه در تمام عمر خود کار میکرد عیاش و بطلال و تنبل نبود کاری هم که انتخاب کرده بود کاری نبود که برخلاف تمایل طبیعی خود برای کسب معاش بر خود تحمیل کرده باشد و چون شخصاً متمول بود هیچ مانعی برای او در بسط دادن مقصود و تحصیل کتب نفیسه و نویسانیدن نسخهها و طبع و نشر مؤلفات در بین نبود هر طور آرزو میکرد پیش میرفت در وسط راه بواسطه فقدان وسایل

(۱) در وصیت نامه خود مقرر داشت که ده هزار لیره بدمرسته پامبروک که در آنجا تدریس میکرد بدهند و همین مبلغ را هم به دارالفنون کسب میباید هدیه داد که صرف بسط و نشر زبان و ادبیات فارسی و عربی کنند و کتب نفیسه نادره بخرند مجموع دارایی برافورد براون معادل ۱۶۶ هزار لیره انگلیسی تقویم شده است .
مترجم

هادی معطل نمیماند

دیگر آنکه یکی از بزرگترین اعمال او تألیف تاریخ ادبیات ایران بود که میخواست در ایام حیاتش با تمام برسد این کتاب مهم که مدت تألیف آن قریب سی سال طول کشید در ایام حیاتش با انجام رسید و عجب اینست که جلد اخیر آن کتاب فقط یکسال و نیم قبل از وفات او از طبع خارج شد.

و نیز چون یکی دیگر از اسباب سعادت انسان عشق است خداوند این سعادت را هم برای او فراهم آورد و در سنه ۱۳۲۴ ه. ق. دختری از خانوادۀ های نجیب کمبریج را که مدت ها قبل از ازدواج طرف تعلق خاطر او بود بهجانبۀ نکاح در آورد و از این تاریخ بعد موجبات خوش بختیش تکمیل شده بود از سرپسای وجود او خوشی و مسرت میبارید.

از صفات مختصۀ آن مرحوم یکی پشت کار فوق العادۀ عجیب او بود گویا خداوند حس خستگی در نهاد او خلق نکرده بود پر کارترین و پر شور ترین جوانان را از میدان بدر میکرد و عموماً تا یکساعت بعد از نصف شب کار میکرد و صبح نمیدانم کی برمیخاست ولی همیشه ساعت هشت سرور و شسته و لباس پوشیده و سعادت انگلیسان ریش و سیبیل تراشیده سرپا بود و مشغول کار و تدریس و غیره میشد و من هیچ نفهمیدم که شخص هر قدر قوی بنیه و سالم المزاج باشد و هر قدر هم شوق بکار داشته باشد آخر چطور میتواند این همه کار کند ؟ و این همه چیز بنویسد این همه آثار از خود بیادگار بگذارد عدۀ تألیفات او چه تألیف و چه ترجمۀ کتب فارسی ۱۷ عدد است و عدۀ رسائل او ۳۲ عدد و عدۀ دیباچہ هائی که بزبان انگلیسی بر کتب فارسی باعربی که باهتمام دیگران بطبع رسیده الحاق نموده است ۱۳ عدد است و مجموع صفحات این مؤلفات ۹۳۱۸ صفحه است که بالتمام از آثار قلم شخص اوست بدون معاونت دیارالبشری جمیع امور را شخصاً متکفل میشد فقط در این سنوات اخیرہ زوجہ اش در تصحیح نمونه های چاپی باو کمک میکرد.

اما کتب فارسی که تصحیح و طبع نموده است دو عدد است یکی تذکرۀ الشعراء دولتشاه سمرقندی دیگر جلد دوم لباب الالباب عوفی اما جلد اول لباب الالباب چون تصحیح راقم این سطور است درین حساب آورده نشد و همچنین متن مقالۀ سیاح

زمتن تاریخ گزیده که هر دو چاپ عکس است و تصحیحی در آنها بعمل آورده نشده است و نیز کتاب نقطه الکاف زیرا که طبع و تصحیح آن به اهتمام یکی از دوستان آن مرحوم که بملاحظات او خواهش نمود که از اسم مصحح سکوت ورزیده شود و بنام همان مرحوم تمام شود و همچنین کتبی که بتصحیح بعضی از شاگردان یا دوستان او بطبع رسیده و فقط يك ديباچه انگلیسی بر آن افزوده در حساب آورده نشد آن مرحوم طبع آن کتب را بعضی خود به عهده گرفت و بعضی را به خارج (اوقاف خیریه کب که خود او رئیس امنای آن اوقاف بود بطبع رسانید ،

دیگر از مختصات آن مرحوم حافظه عجیب او بود به علاوه یونانی و لاتینی و فرانسه و آلمانی سه زبان شرقی اسلامی یعنی فارسی و عربی و ترکی را در نهایت خوبی میدانست هم علماً هم عملاً آن سه زبان را در کمال خوبی و تسلط حرف میزد و مینوشت زبان فارسی مثل زبان مادریش شده بود آنقدر اشعار و امثال و کلمات قصار از این سه زبان در حفظ داشت که کمتر ادیبی بیای او میرسید بواسطه کثرت قرائت کتب و سفرهای زیاد حکایات نادره بسیار دلکش در حفظ داشت که از مجالست او شخص سیر نمیشد در شرح حال هر شاعری یا حکیمی یا در ذکر وقایع تاریخی هر عصری فقط حکایات و حوادث بسیار ممتع را که جنبه دلکشی یا مضمون بدیعی یا حادثه غریبی در بر داشت منعرض میشد باقی حکایات راستحسینی معمولی را حذف میکرد .

مرحوم برون قطع نظر از مهارت در السنه شرقیه در زبان انگلیسی نیز از نویسندگان بسیار خوب محسوب میشد کتاب فروشان بمنّت مخارج کتب او را تقبل میکردند و نفع میبردند و جهة اصلی آن مرحوم این بود که ادبیات ایرانی را بعموم اروپائیا بشناساند نه منحصرأ بزمره محدود علما و مستشرقین اینست که هیچوقت تألیفات خود را در دایره تنگ کتب علمیه فنیه خالص محصور نمینمود و میگفت انسان باید از ثمره زحمات خود عموم نوع بشر را بهره مند نماید و زکوة علم را به مستحقین آن که طبقه متوسط ناساند برساند والا علما و فضلا که خود در علم اغنیاءاند محتاج بزکوة نیستند این نکته نیز قطعاً یکی از اسرار اشتهار کتب آن مرحوم است

طبع شعر عالی نیز داشت چنانچه بسیاری از اشعار فارسی را عیناً بشعر انگلیسی ترجمه کرده است و مطبوع شده است.

دیگر آنکه آن مرحوم خیلی دست و دل باز بود و در اعانت بفقرا و مستحقین از هر ملت و مذهب خودداری از دادن پول یا پیدا کردن کاری یا واسطه شدن پیش کسی کوتاهی نمینمود از هر کتاب که چاپ میشد مبلغ کثیری مجاناً برای عموم فضایل غرب و شرق میفرستاد و همیشه میگفت غرض اصلی از نشر کتب رسیدن آنهاست بدست اهل فضل و انتفاع محتاجین بآن کتب نه چیز دیگر.

اعاذوق و حساسیت طبع و لطف مشرب اظهر صفات او بود سرپای و جودش مفتون شعر و ذوقیات بود اغلب شاهکارهای ایرانی و عرب را از برداشت تمام حافظ را من الهدی الی الختم حفظ بود قسمت عظیمی از اشعار خوب ایرانی را بشعر انگلیسی ترجمه کرده و از این راه بزرگی روح ایرانی و دقت افکار و احساسات ایرانیان و خدماتی را که شعراء و حکماء و علماء ایران بمضویبات نوع بشر کرده اند همه را در اروپا شناسانیده و با آن زبان شیرین و قلم سحر خیز خود منتشر کرده است.

مقالات استاد فاضل آقای قزوینی در شرح حال برون بسیار مفصل است و نقل همه آن در این مقدمه دشوار هر کس نمونه از بیان شیرین و حساسیت و دقت نظر استاد را بخواهد بر او لازم است که عین آن مقالات را بخواند از جمله مطالبی که بنظر این ضعیف باید افزود ذکر مجموعه خطابه‌های برون است در باب طب عربی که احوال چند تن از پزشکان نامدار ایرانی را بیان کرده است دیگر اینکه در هنگام شصت سالگی برون ۴۳ نفر از مستشرقین اروپا و جمعی از مشاهیر فضایل ایران برای قدردانی از خدمات او مقالات و رسالاتی نوشته در کتابی فراهم آوردند و در روز عید تولد او هدیه فرستادند و برون در مکتوبی که بتاريخ ۲۷ فوریه ۱۹۲۱ نوشته و آقای قزوینی آنرا نقل کرده است راجع بساین قدردانی چنین مینویسد.

« در این اواخر بعضی از اکابر و مشاهیر ایران بمناسبت داخل شدن مخلص در سال شصتمین عمر خود (در ۷ فوریه ۱۹۲۱) یعنی گذشتن از پنجاه و نه سالگی

تبریکنامه با هدیه به خط بسیار قشنگ یعنی به خط عماد الکتاب^۱ که بیچاره از قراری که نوشته است چهار سال در حبس بوده است در قوطی نقره با کتاب مناسبی و دیگر یک قالی بسیار خوب کاشانی بطریق ارمغان و یادگار به مخلص فرستاده بودند این اطف و مهربانی از طرف اشخاصی که بعضی از ایشان را شخصاً هم نمی‌شناسم خیلی بر من اثر کرد و خجالت میکشم که این خدماتی جزئی را که بایران کرده ام باین درجه تقدیر بفرمایند و لسی حقیقه از هیچ شرفی که در مددالعمر حاصل شد اینقدر تفاخر و ابتهاج نکرده ام که از این . و نمیدانم بچه زبان یا بچه وسیله بتوانم چنانکه باید و شاید از عهده شکر این نعمت کبری بدر آیم .^۲

خرداد ۱۳۱۶ رشید یاسمی

(۱) حسین بن محمد حسین قزوینی ملقب به عماد الکتاب از اسنادان معروف خطوط ششگانه (نث ، رقاع ، نسخ ، تعلیق ، شکسته ، نستعلیق) بود از آثار او شاهنامه امیربهادری و اوصاف الاشراف و دوره رسم الشق است اکثر کتیبه های دولتی خاصه مدارس بخط او است بهترین نمونه کتیبه نویسی او خطوط آرامگاه فردوسی در طوس است در ۲۶ تیر ۱۳۱۵ شمسی در سن ۷۳ سالگی در طهران بدرود حیات گفت در ۱۱ سال آخر عمر است فرمان نگاری دفتر مخصوص شاهنشاهی داشت قصیده که برای پرنسور برون فرستاده و یکی از اسباب رهایی او از زندان شده است در سال چهارم ایران شهر درج است . برون در سن ۱۹۶ این کتاب تجیدی شایان از او نموده است .

مقدمه مؤلف ۱

این جلد خاتمه وظیفه محسوب میشود که متجاوز از بیست و دو سال بانجام دادن آن همت گماشته ام جلد اول در ۱۹۰۲ و جلد دوم در ۱۹۰۶ انتشار یافت جلد سوم که عنوانش «تاریخ ادبیات ایران در زمان سلطه تاتار» است چهارده سال بعد نشر شد و این کتاب که از چهار قرن اخیر (۱۵۰۰ - ۱۹۲۴ میلادی) بحث میکند جلد چهارم محسوب است.

هر چند نمیتوانم این جلد را از حیث شکل ظاهری و فواید معنوی بر سه مجلد پیشین مرجح بدانم و هر چند از نقایص آن کاملاً آگاهم معذک بیش از آنها حاوی نکات و اطلاعات تازه و جامع تحقیقات و تفحصات مبنکر است.

در اروپا و قسمت اعظم ترکیه و هندوستان مشهور است که ادبیات ایران بشهر انحصار دارد و فقط همین نوع از آثار ادبی ایران شایسته توجه است و نیز گویند که از عهد جامی تا حال شعری که لایق خواندن باشد در ایران سروده نشده است این عقاید موجب شده است که کسی بنگارش تاریخ ادبیات ایران در چهار قرن اخیر همت نگماشته و اکثر کتب فارسی که منبع این اطلاعات بشمار است چاپ نشده مانده است.

باری نگارش این کتاب لذت بخش و اتمام آن موجب خرسندی و سپاسگزاری است لغزشها و نقایص آن چون باعث انتقاد و محرک حس کنجکاوی و تفحص میشود خود وسیله افزایش اطلاعات است اگر درین تألیف خطائی رفته باشد انتقادات منصفانه دانشمندان صلاحیت دار را بر مدح و تقریظی که هوا خواهان و دوستان غیور از روی بی بصیرتی بکنند ترجیح میدهم و سعادی فرماید.

کفیت ادبی یا هنر تعد محاسنی علانیتی هذا و لسم تدر باطنی

ادوارد . برون

۱۲ جون ۱۹۲۴

فصل اول

ملاحظات کلیه راجع بسلسله صفویه

اهمیت تاریخی
سلسله صفویه

ظهور سلسله صفویه در ایران در آغاز قرن شانزدهم میلادی ،
نه فقط برای مملکت ایران و همسایگان او بلکه عموماً برای
اروپائیز ، واقعه تاریخی بسیار مهمی محسوب میشود . این ظهور
نه تنها نشانه برقراری شاهنشاهی ایران و تجدید استقرار ملیت ایرانی است که مدت
هشت قرن و نیم چون آفتابی در کسوف بود ، بلکه علامت ورود این مملکت در مجموع ملل
و منشأ روابط سیاسیه است که هنوز هم تا درجه مهمی پایدار میباشد . مستر . ج . واتسن
Mr. R. J. Watson که کتاب خود را موسوم به تاریخ اجمالی ایران از آغاز
قرن نهم تا سنه (۱۸۵۸) از این عهد شروع میکند با اهمیت آن کاملاً پی برده است :
زیرا که فی الحقیقه این زمان عصر انتقال از قرون وسطی است بقرونیکه نسبتاً میتوان
آنها را از قرون جدید نامید . غلبه عرب در اواسط قرن هفتم میلادی دین زردشت و
سلطنت ساسانیانرا برانداخت و تا نیمه قرن سیزدهم که خلافت عربی بدست لشکر
مغول زوال یافت ، این مملکت را ولایتی از ولایات خلیفه ساخت . راست است که
قبل و بعد از این واقعه سلسله های مستقل ، یا نیمه مستقل ، در ایران سلطنت داشته اند ،
لیکن آنها نیز اکثر از نژاد ترك یا تاتار بوده اند . مانند غزنویان و سلجوقیان و
خوارزمشاهیان و خاندان چنگیز و تیمور ، و اگر سلسله ایرانی الاصلی مانند آل بویه
موجود بوده فرمانش فقط بر قسمتی از کشور قدیم ایران جریان داشته است . سلسله
صفویه بود که ایران را بار دیگر « ملتی » قائم بالذات ، متحد ، توانا و واجب الاحترام
ساخت و نفور آنرا در ایام سلطنت شاه عباس اول (۱۵۸۷ - ۱۶۲۸ م) به حدود
امپراطوری ساسانیان رسانید . در عهد این پادشاه پایتخت از قزوین باصفهان انتقال
یافت و این شهر بسر طبق ضرب المثل ایرانیان نصف جهان گشت و بر حسب قول